



هزاره سوم اندیشه

# مشروطیت

از زبان

# تقی زاده

به کوشش و پژوهش:  
محمود تربتی سنجابی

مشروطیت  
از زبان تقی زاده





# مشروطیت از زبان تقی زاده

به کوشش و پژوهش

محمود تربتی سنجایی



شرکت هزاره سوم اندیشه

|                     |                                                                 |
|---------------------|-----------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : تربتی سنجابی، محمود، ۱۳۴۰ - ، گردآورنده                       |
| عنوان و نام پدیدآور | : مشروطیت از زبان تقی‌زاده/ به کوشش و پژوهش محمود تربتی سنجابی. |
| مشخصات نشر          | : تهران: هزاره سوم اندیشه، ۱۳۹۸.                                |
| مشخصات ظاهری        | : ۳۳۶ص.                                                         |
| شابک                | : 978-964-8088-17-5                                             |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | : فیبا                                                          |
| یادداشت             | : کتابنامه.                                                     |
| یادداشت             | : نمایه.                                                        |
| موضوع               | : تقی‌زاده، سیدحسن، ۱۲۵۷ - ۱۳۴۸. (Taqizadah, Hasan)             |
| موضوع               | : حزب اجتماعیون عامیون ایران (Hizb Ejtemaiyun Amiyun Iran)      |
| موضوع               | : ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ - ۱۳۲۷ق.                |
| موضوع               | : Iran -- History -- Constitutional Revolution, 1906-1909       |
| موضوع               | : ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰                          |
| موضوع               | : Iran -- History -- Pahlavi, 1925 - 1941                       |
| رده‌بندی کنگره      | : DSR ۱۴۸۶/ت۴ ۱۳۹۸                                              |
| رده‌بندی دیویی      | : ۹۵۵/۰۸۲۰۹۲                                                    |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۵۶۰۴۳۴۸                                                       |



انتشارات هزاره سوم (نشر)

## مشروطیت از زبان تقی‌زاده

به کوشش و پژوهش: محمود تربتی سنجابی

• ویراستار: محمد رفیعی مهرآبادی • صفحه‌آرایی: هزاره سوم اندیشه

• طرح جلد: آروین رفیع‌زاده

• چاپ و صحافی: قشقای

• چاپ اول: تهران ۱۳۹۹ • شمارگان: ۵۰۰ • قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۰۸۸-۱۷-۵

ناشر: هزاره سوم اندیشه

تهران، میدان انقلاب، کوچه آبرو، شماره ۱

تلفن و نمابر: ۶۶۰۳۷۶۴۸ - همراه: ۰۹۱۳۷۱۷۳۹۲۴

تلفن پخش: ۶۶۹۶۵۳۷۷

سایت: [www.hsap.ir](http://www.hsap.ir) آدرس الکترونیکی: [hsapub@gmail.com](mailto:hsapub@gmail.com)

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

## فهرست

۱. مقدمه..... ۱۱
- خطابه‌های تقی‌زاده..... ۱۱
- نگاهی کوتاه به زندگانی سیاسی تقی‌زاده..... ۱۴
- سال‌شمار زندگی سیدحسن تقی‌زاده..... ۲۱
- تقی‌زاده از نگاه دیگران..... ۲۸
- اسماعیل رائین..... ۲۸
- احمد کسروی..... ۳۰
- منوچهر سعید وزیری..... ۳۴
- پاسخ تقی‌زاده به منتقدان..... ۳۶
۲. دیباچه به قلم تقی‌زاده..... ۴۱
۳. خطابه اول..... ۴۵
- لفظ مشروطیت..... ۴۶
- قیام اسپار تا کوس و مزدک..... ۵۰
- عثمانیان و مشروطیت..... ۵۴

- ۵۹.....خروش سعدی
- ۶۱.....روسیان تجاوزگر
- ۶۴.....مقدمات انقلاب مشروطیت
- ۶۸.....فرانسه زورگو
- ۶۸.....تسلط سیاسی و اقتصادی روسیه بر ایران
۴. **خطابه دوم: میزبان بی‌ادب**..... ۷۳
- ۷۶.....امیرکبیر و اصلاحات
- ۷۸.....اولین کشمکش
- ۸۱.....تأسیس انجمن
- ۸۴.....کسروی خلاف می‌گوید
- ۸۷.....حذف مستمری‌ها
- ۹۰.....مشروعیه یا مشروطه
- ۹۴.....واقعیه میدان توپخانه
- ۹۶.....استخاره برای تخریب
۵. **خطابه سوم: یادداشت‌های متفرقه**..... ۱۰۱
- ۱۰۴.....عهدنامه ایران و روس
- ۱۰۸.....استبداد
- ۱۱۱.....داستان تحصن: پاسخ به کسروی و یحیی دولت‌آبادی
- ۱۱۶.....استبداد صغیر
- ۱۱۷.....مردم یونجه می‌خوردند
- ۱۱۹.....توسل به شاه
- ۱۲۱.....روس‌ها آمدند
- ۱۲۳.....تحصن و خلع شاه
- ۱۲۵.....هیأت دولت جدید

|       |     |                                                   |
|-------|-----|---------------------------------------------------|
| ..... | ۱۲۶ | خراج شاه                                          |
| ..... | ۱۲۹ | از یاد رفتگان                                     |
| ..... | ۱۳۳ | ۶. یادداشت‌های تقی‌زاده درباره‌ی خطابه‌ها         |
| ..... | ۱۴۶ | پاسخ تقی‌زاده به پرسش‌های مطرح‌شده                |
| ..... | ۱۶۵ | منابع                                             |
| ..... | ۱۶۷ | پیوست‌ها                                          |
| ..... | ۱۶۹ | پیوست ۱: چهار مقاله و چهار دیدگاه درباره تقی‌زاده |
| ..... | ۱۷۱ | آتش در زیر پنجره/ محمدابراهیم باستانی پاریزی      |
| ..... | ۲۰۹ | سه زندگی در یک عمر/ همایون کاتوزیان               |
| ..... | ۲۶۳ | تقی‌زاده در آلمان قیصری/ الزا ایچرنسکا            |
| ..... | ۳۰۱ | آشنایی با تقی‌زاده/ مهدی محقق                     |
| ..... | ۳۰۷ | پیوست ۲: مکاتبات تقی‌زاده و عین‌الدوله            |
| ..... | ۳۱۹ | پیوست ۳: داوری‌های مبتذل                          |
| ..... | ۳۲۷ | نمایه                                             |
| ..... | ۳۳۵ | عکس‌ها                                            |



## پیشگفتار ناشر

در میان رجال سیاسی ایران در زمان معاصر، سیدحسن تقی‌زاده (۱۳۴۸-۱۲۵۷) از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است. نقش او در برپایی قیام مشروطه؛ هواداری او از مردم‌سالاری و مخالفت با سلطنت رضاخان پهلوی؛ پیوستن او به نظام حکومتی، رضاشاه و ماجرای تجدید قرارداد نفت ایران و انگلیس در سال ۱۹۳۳ (۱۳۱۲ ش.) و ادامه فعالیت‌های دیپلماتیک و سیاسی او در دوره سلطنت محمدرضا شاه پهلوی.

نگاهی گذرا به سیر تحول زندگانی و افکار تقی‌زاده، نشان می‌دهد که وی یک شخصیت «خاکستری» است - نه «سفید» است و نه «سیاه» - به زبان ساده، دارای جنبه‌های مثبت و منفی و ضدونقیض است. تقی‌زاده مردی ادیب و سخنور بود و اطلاعات وسیعی درباره تاریخ اسلام، و سایر ادیان، داشت؛ مقالات متعدد او گواهی است بر این مدعا. ضمناً چون سالیان درازی را در اروپا به سر برده بود، با فرهنگ و تمدن غرب کاملاً آشنا و شیفته آن بود، به‌طوری‌که یکی از هواداران سرسخت تجدد (مدرنیته) در ایران بشمار می‌رفت. الگوی فکری او در این زمینه، نظام حکومتی بریتانیا بود (مخالفت او با «مشروع» مطلع شده توسط مرحوم شیخ فضل‌الله نوری نیز از همین بابت بود). چون این مقدمه محدود به سه سخنرانی تقی‌زاده در باشگاه مهرگان پیرامون مشاهدات وی از مشروطیت (تا پایان استبداد صغیر) است، لذا فقط به

جهات معینی از شخصیت تقی‌زاده پرداخته است: ماجرای سخنرانی تقی‌زاده در باشگاه مهرگان، ملاقات و گفت‌وگوی کوتاه او با تقی‌زاده، نگاهی کوتاه به زندگانی سیاسی تقی‌زاده؛ تقی‌زاده از نگاه دیگران؛ پاسخ تقی‌زاده به اتهامات.

چون این سخنرانی‌ها در واقع مشاهدات شخصی تقی‌زاده از جریان انقلاب مشروطه است؛ از این‌رو درخور توجه و تأمل است خاصه آنکه مشروطیت بخشی مهمی از تاریخ ایران است و نیز تقی‌زاده هیچ اثر مکتوبی درباره انقلاب مشروطه ایران نگاشته است.

شایان‌ذکر است مجموعه سخنرانی‌های تقی‌زاده به وسیله جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی - باشگاه مهرگان - به سرپرستی محمد درخشش که بعدها به وزارت فرهنگ دست یافت با استفاده از یادداشت‌ها و گزارشات سخنرانی‌ها که به‌طور کامل از سوی مؤلف در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده بود، جداگانه در سال ۱۳۳۸ منتشر شده است و اینک پس از سپری شدن نزدیک به شصت سال جهت آگاه شدن مورخان تاریخ معاصر خطابه‌های مزبور با ویرایش جدید از سوی انتشارات هزاره سوم اندیشه نشر پیدا می‌کند. انتشار این خطابه‌ها دلالت بر آن ندارد که معتقد و موافق با همه مطالب هم هستیم.

در خاتمه لازم می‌دانم از کوشش‌های ویراستار محترم زنده یاد محمد رفیعی مهرآبادی که با دقت و وسواس متن را ویرایش نمودند سپاس و قدردانی را بجا آورم و همچنین قابل ذکر است که بخش پیوست‌ها کتاب شامل مقالات و عکس‌ها توسط انتشارات به متن کتاب افزوده شده است.

ناشر

## مقدمه

## خطابه‌های تقی‌زاده

در دی‌ماه ۱۳۳۷ که نگارنده عضو هیأت تحریریه روزنامه اطلاعات بودم، از سوی محمد درخشش (رئیس جامعه معلمین ایران)، دعوت‌نامه‌ای دریافت داشتم که برای شنیدن سخنرانی سیدحسن تقی‌زاده عصر روز دوشنبه ۲۹ دی‌ماه در باشگاه مهرگان حضور پیدا کنم. موضوع سخنرانی مشاهدات عینی سیدحسن تقی‌زاده از تاریخ مشروطیت ایران، خاصه واقعه باغ‌شاه، و معروف به «یوم‌التوب»<sup>۱</sup> بود.

ساعت شش بعدازظهر، تقی‌زاده پشت تریبون قرار گرفت. لحظاتی به شنوندگان نگاه کرد، چشمش به مرحوم صدرالاشراف افتاد که به تازگی به‌جای او ریاست مجلس سنا را احراز کرده بود و دقایقی پیش به جلسه سخنرانی وارد شده بود و در ردیف جلو حاضرین دنبال صندلی خالی

---

۱. روز به توب بستن مجلس شورای ملی به فرمان محمدعلی شاه در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ (۲ تیرماه ۱۲۸۷). - و.

می‌گشت. سرانجام در صندلی برابر تریبون سخنران نشست.<sup>۱</sup>

سخنرانی تقی‌زاده دو ساعت به طول انجامید ولی ناتمام ماند. عمده مطالب آن را نگارنده در شماره ۳۰ دی‌ماه ۱۳۳۷ در روزنامه اطلاعات درج کردم. در پایان جلسه، زنده‌یاد درخشش از تقی‌زاده درخواست کرد در جلسات دیگر به گفتار خود ادامه دهد. وی نیز پذیرفت مجموعاً سه جلسه صحبت کرد.

مطالبی که از سخنرانی‌اش در روزنامه اطلاعات درج شد، گزارش‌های تندنویسی نگارنده بود با ویرایش سردبیر آن به نحوی منقح که مطلوب آقای تقی‌زاده قرار گرفت، به‌طوری‌که ضمن تماس با عباس مسعودی، مدیر و صاحب موسسه اطلاعات، آمادگی خود را جهت قرار دادن دست‌نویس یادداشت‌ها و نوشته‌هایش را به نگارنده اعلام داشت، با این شرط که بعد از تنظیم و ویرایش، سلسله گفتارهای ایشان قبل از چاپ از نظرشان بگذرد؛ و چنین شد که نگارنده طی چند هفته به منزل آقای تقی‌زاده در قل‌هک، خیابان دولت، محله قنات، می‌رفتم و ساعتی را به مصاحبت با این چهره صاحب‌نام تاریخ انقلاب مشروطیت می‌گذراندم.

\*\*\*

۱. جاودان یاد استاد باستانی پاریزی در مجله یغما درباره حضور این بزرگوار - صدرا لاشراف - نوشت: «من از جهت دانش و فضیلت به او احترام می‌گذارم. هر چند هرگز او را ندیده‌ام. او در تاریخ دادگستری ایران مقامی ارجمند دارد...»

ما می‌دانیم که او در عین حال پنجاه سال قبل از آن در همان واقعه «یوم‌التوب» در دستگیری مشروطه‌چیان قاضی باغ‌شاه بوده است. در واقعه «یوم‌التوب» اگر او قاضی باغ‌شاه نبود ده‌ها برابر خشونت محمدعلی شاه بیشتر به کار می‌رفت. به‌هرحال این مرد محترم آمد در برابر تقی‌زاده نشست و چشم به‌چشم او دوخت و سخنرانی او را به دقت گوش داد تا به زبان حال به طرف حالی کند که:

«نه پنداری که این دریای پرجوش همی کرد آدمی خوردن فراموش»

ساعت ۴ بعدازظهر یک روز نسبتاً سرد و بارانی زمستان به دیدار تقی‌زاده رفتم. خدمتکار خانه مرا به کتابخانه راهنمایی کرد. اتاق کار و کتابخانه تقی‌زاده در طبقه دوم و نسبتاً بزرگ بود، با چند مبل چرمی قدیمی به رنگ قرمز. تصویری از جوانی همسرش در ردیف پایین قفسه کتابخانه به چشم می‌خورد. میز کار بزرگی مشرف به پنجره باغچه خانه با چند عسلی لهستانی دیده می‌شد. یک رادیوی نسبتاً بزرگ مبله قدیمی «شاو لورنس» ساخت آلمان در قسمت زیرین قفسه کتابخانه جلب توجه می‌کرد رأس ساعت مقرر، تقی‌زاده و همسرش به کتابخانه وارد شدند.

تقی‌زاده به همسر آلمانی خود عطیه‌خانم شدیداً عشق می‌ورزید. چنان به او دل‌بستگی داشت که حاضر نبود لحظه‌ای دور از او باشد. به همین جهت در طول جلساتی که در خدمت او بودم همواره «عطیه‌خانم» در کنارش قرار داشت. او درخواستش از من این بود که ترجمان احساسات و عواطف او نسبت به همسرش در روزنامه باشم. بی‌مناسبت نمی‌بینم که در اینجا عین گفته تقی‌زاده را درباره همسرش نقل کنم: می‌گفت «خدا این زن را به من بخشیده، به همین خاطر هم «عطیه» خواندمش؛ روزی که برای اولین بار او را دیدم، حداکثر خوبی را در چشم‌های معصومش نظاره کردم. یک دنیا زیبایی بود. در کوتاه زمانی زندگی بزرگی را با او آغاز کردم. خنده‌اش، گریه‌اش صمیمی است. او مهری بزرگ به من دارد، مهری که عاریتی نیست. من هر چه دارم از او دارم. او زندگی من است. در بیماری‌ام ندبه می‌کند. من اشک‌هایش را دیده‌ام. شما این‌ها را بنویسید. می‌خواهم همه آن را بدانند که او عطیه خداوندی است.» در آخر هم اضافه کرد: «در حیات سیاسی و زندگی

خصوصی من دو چیز برایم مقدس است. اول رنگ‌های سه‌گانه سبز و سپید و قرمز<sup>۱</sup> و دیگر همسرم<sup>۲</sup>.

### نگاهی کوتاه به زندگانی سیاسی تقی‌زاده

میرزا جواد ناطق یکی از «سخنگویان سه‌گانه آذربایجان در جریان انقلاب مشروطیت»<sup>۳</sup> درباره چگونگی ورود تقی‌زاده به سیاست چنین می‌نویسد: «بیکاری و درماندگی وسیله‌ای شد که توسط حاجی میرزا تقی، من با یک عده اشخاص طرح دوستی و رفاقت ریختم. نخستین جلسه ملاقات من با این اشخاص در حجره حکاک میرزا خداداد حکاک باشی پسر حاج میرزا حسین حکاک معروف اتفاق افتاد. البته دانستنی است که حاج میرزا حسین حکاک در ضمن حکاک و کندن مهرهای عقیق سرآمد امثال خود بود. مشارالیه در این صنعت نظیر خطاط مشهور میرعماد بوده که

۱. منظور پرچم سه رنگ ایران است.

۲. تقی‌زاده در سال (۱۳۰۱) در آلمان در شهر برلین با عطیه‌خانم که قبلاً با او آشنا شده بود ازدواج کرد. مجتبی مینوی که در دوران سفارت تقی‌زاده در انگلستان از گویندگان و مجریان بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی بود در صفحه ۱۳۸ یادداشت‌های خود که نشر پژوهشگاه علوم انسانی در سال ۱۳۷۵ منتشر کرده در باره شجره‌نامه عطیه‌خانم چنین نوشته است: عیال ایشان Von Young سندی در دست این خاندان هست که خلاصه آن این است (یکی از ایشان می‌نویسد): جد من یک لرد اسکاتلندی بود که در موقع قضیه پرنس استوارت بادکیت که از ترس مرگ فرار کرد با برادرش و بچه‌هایش به طرف «پروس» رفتند. خود او به لهستان رفت و مرد و برادرش داخل خدمت پروس گشته حاکم شهر دانسزیک گردید. او نیز بعدها به لهستان رفته و مرد. پدر مرا «کیت» به روسیه برده بود و بعد برلن آورد و خود او فلدمارشال شد و پدر من مآثر شد. پدر من دختر فن‌در بوشه را گرفت. «کیت» و پدرم در جنگ معروف هفت ساله هر دو کشته شدند...

۳. در جریان انقلاب مشروطیت، شیخ سلیم خطیب، میرزا حسین واعظ و میرزا جواد ناطق را سخنگویان نهضت مشروطیت در آذربایجان می‌شناختند. (بنگرید به: سخنگویان سه‌گانه، نصرت‌اله فتحی، تهران، ۲۵۳۶).

آثار صنعتی [هنری] هر دو تقریباً در عداد آنتیک شمرده می‌شد. میرزا خداداد برادر[ی] کوچک‌تر از خود داشت موسوم به میرزا محمود خان حکاک‌باشی که با مشیرالصنایع دوست بودند. این دو نفر رفقای دیگر هم داشتند که عبارت بودند از: برادران حاج‌فضل‌علی، کربلایی محمدعلی حاج‌میرزا آقافرشی، سیدرضا منشی تجارتخانه فرشی، سیدمحمد شبستری (ابوالضیا)، حاج‌علی دوافروش، سیدحسن تقی‌زاده، سیدحسن خان منشی کنسولگری روس. این عده که افراد منورالفکر آن روز تبریز بودند برای خودشان فرقه‌ای تشکیل داده و نام «علیهم» به خود گذارده و آن کلمه را کلید رمز شناسایی بین خود قرار داده بودند، به‌طوری‌که هر جوان فهمیده و روشن و ضد خرافات که وارد دسته آن‌ها می‌شد می‌گفتند «فلانی هم از علیهم» است. انتخاب این کلمه رمزی از ابتکارات سیدحسن تقی‌زاده پسر میرتقی اردوبادی بود.

تقی‌زاده روایت کرده بود که روزی روضه‌خوانی بالای منبر گفت: هنگامی که عمروبن عبدو آمد به میدان و مبارز طلبید، علی‌بن ابیطالب به خدمت پیغمبر (حضرت محمدبن عبدالله) آمد و گفت: به من اجازه بده بروم جواب این ملعون را بدهم. پیغمبر فرمود: یا علی هذاعمروربن عبدو است و شوخی نیست [او نلن ال به یخه اولماق آسان دیر<sup>۱</sup>].

علی عرض کرد: اگر او عمرو است من هم جناب امیر صلوات الله و سلامه علیهم هستم!

این عبارت آخری و بیان احمقانه و بی‌سوادانه آن مرثیه‌خوان در دست فرقه مزبور مستمسکی می‌شود و از آن به بعد هریک از حضرات جوان برای شناساندن خود به دیگری و نمایاندن این‌که به کنه خرافات

---

۱. «نبرد با آنان کار آسان نیست».

پی برده‌اند، آن را شعار خود قرار داده و به محض رسیدن به همدیگر، قبل از هر اظهاری می‌گفتند «علیهم».<sup>۱</sup>

«ناطق» درباره خانواده تقی‌زاده می‌نویسد: دکتر محمدخان کفری که مظهر اعتقاد و توجه «والی» بود، مرد آزاده و رادی شناخته می‌شد که در [محل] دربند کوچه «دایه باجی» سکونت داشت. در مقابل خانه او، مرد پرهیزکار و متقی دیگری که میرتقی اردوبادی نام داشت و محمدعلی میرزای ولیعهد دست ارادت به وی داده بود... .

پسر این سیدمیرتقی، میرمرتضی نامیده می‌شد که به مناسبت همجواری و همسایگی، رابطه معاشرت با دکتر محمدخان پیدا می‌کند و بر اثر تلقینات دکتر کفری در مرحله آدم شدن بود که فوت می‌کند. بعد از آن، دو پسر دیگر برای مرحوم میرتقی باقی می‌ماند که نام فرزند بزرگ‌ترش میرباقر بوده و نام فرزند کوچک‌تر «سیدحسن» این سیدحسن همان است که بعدها «تقی‌زاده» شناخته شد. این پسر بر اثر همان همجواری و هم‌صحبتی با دکتر محمدخان کفری که به اتفاق «محمدعلی‌خان تربیت»<sup>۲</sup> به حضورش می‌رفته، در مسائل اجتماعی و سیاسی کسب معلومات می‌کند...

آن دو نفر در نزدیکی مسجد جامع تبریز کتابخانه‌ای [کتاب‌فروشی] بازکرده بودند و نامش را تربیت گذارده بودند. در آن کتابخانه رساله‌ای

۱. سخنگویان سه‌گانه آذربایجان، پیشین صص ۱۳۰-۱۳۱. فتحی در پانوشت توضیح داد: «این فرقه که تعدادشان به بیست نفر می‌رسید درصدد برآمدند هرچه از مال منقول و غیرمنقول دارند بفروشند و با این سرمایه یک ده اتباع نموده و خانه‌های خود را بدانجا منتقل کنند و تمام حوایج خود را با دست خود تهیه نموده یک نحو زندگی فلاحی [کشاورزی] با اصول تازه در آنجا دائر نمایند».

۲. محمدعلی‌خان تربیت شوهر خواهر تقی‌زاده بود.

انتشار یافت که عنوان آن تحقیق احوال کنونی ایران یا محاکمات تاریخی و نویسنده اش تقی زاده بود... [کتاب] از آثار پر بهای «تقی زاده» به شمار می رفت. در آن زمان، تقی زاده دست به یک امر جرأت داری زده بود... که به همین سبب رابطه او با پدرش به هم خورد و پدرش او را از خود راند. پدر تقی زاده پیش نماز مسجد جامع صفرعلی تبریز بود. کتاب فروشی تربیت کم کم محل تجمع گروهی از روشنفکران تبریز شد.<sup>۱</sup>

ابراهیم صفائی درباره تحصیلات تقی زاده در دوران نوجوانی و جوانی و ورود به جهان سیاست می نویسد: او تحصیلات خود را در مدارس قدیمی و مدرسه دارالفنون مظفری ادامه داد و از فقه و اصول و نجوم و هیات جدید اندک طرفی بست و زبان انگلیسی و فرانسه را هم مختصری آموخت. چون در کتاب فروشی او روزنامه های عربی و فارسی چاپ قاهره و استانبول موجود بود، میرسید تقی زاده با مطالعه آن روزنامه ها با تحولات سیاسی جهان و نظم اجتماعی کشورهای اروپای غربی تا حدی آشنا شد؛ آشنایی با دگرگونی های سیاسی و پیشرفت های عظیم علمی و اقتصادی جهان غرب از یک سو و غور در افکار شیخی ها<sup>۲</sup> و بابی ها<sup>۳</sup> از سوی دیگر، اندیشه تقی زاده را عوض کرد

۱. سخنگویان سه گانه آذربایجان، پیشین.

۲. فرقه ای است از شیعه دوازده امامی و منسوب به شیخ احمد احسائی. شیخیه در استنباط مسائل فقهی، جزو اخباریون و مخالف با اجتهاد از طریق اعمال اصول فقه می باشند. ویژگی های عمده مذهب شیخیه عبارت است از: ضروری نداشتن اعتقاد به «عدل» و «معاد» به طور مستقل در اصول دین، زیرا اعتقاد به خدا و نبوت متضمن اقرار به صفات ثبوتی خداوند و آنچه که پیامبر اسلام آورده است، می باشد. (کوتاه شده از فرهنگ معین، ماده شیخیه). - و.

۳. پیروان سیدعلی محمد شیرازی بنیان گذار مذهب بابیه. و.

و او را به تجددخواهی و جنجال‌های سیاسی رهنمون شد. از این پس به فکر ایجاد نشریه‌ای افتاد و در سال ۱۳۲۰ قمری با همکاری «تریت» و «اعتصام‌الملک» و «شریف‌زاده» مجله «گنجینه فنون» را انتشار داد. کتاب‌فروشی او رفته‌رفته به صورت یک قرائت‌خانه و یک مکتب ترویج افکار نو درآمد و جوانان روشنفکر در آنجا رفت‌وآمد می‌کردند. تقی‌زاده در سال ۱۳۲۲ قمری سفری به قفقاز و قاهره و بیروت و دمشق رفت، در این سفر با جرجی زیدان و شیخ محمد عبده ملاقات کرد و رساله‌ای به نام «تحقیق حالات کنونی ایران» نوشت. این رساله جنبه اجتماعی داشت و با انتقاد آمیخته بود و از مطالعات نویسنده در امور اداری و اجتماعی کشور حکایت می‌نمود.

تقی‌زاده در سال ۱۳۲۳ قمری در حالی که پرشورتر شده بود به تبریز بازگشت و به ایراد نطق و خطابه در مجلس عمومی پرداخت. در آن زمان که تحصیلات طبقه ممتاز کشور تقریباً از صرف و نحو و شعر و ادبیات تجاوز نمی‌کرد، مطالعات اجمالی تقی‌زاده در اوضاع سیاسی - اجتماعی کشورهای اروپایی (آن‌هم در محیط تبریز) خیلی جلوه داشت، به همین مناسبت در آغاز مشروطیت که انتخابات صنفی بود او با ۴۱ رأی به وکالت صنف بازرگانان تبریز برگزیده شد تا بتواند با قوه بیان خود سخنگوی صنف بازرگانان تبریز در مجلس باشد. تقی‌زاده قبل از انتخاب شدن به تهران آمده بود و در جلسه‌های نخستین مجلس اول که با حضور نمایندگان تهران تشکیل می‌شد به عنوان تماشاجی شرکت می‌کرد.

همین که نمایندگان تبریز در ۲۳ ذی‌حجه ۱۳۲۴ در میان استقبال گرم گروهی از مردم و آذربایجانی‌های مقیم تهران وارد پایتخت شدند اعتبارنامه تقی‌زاده را هم با خود آوردند و او به عنوان نماینده تبریز در

مجلس شرکت جست. در نخستین جلسه‌ای که حضور یافت یکی از نمایندگان [سید محمد صراف] گفت: مگر در تبریز آدم قحط بود که این پسر را به عنوان نمایندگی به مجلس فرستاده‌اند.

تقی‌زاده با نیروی لفاظی و با کمک مطالعات خود، در مجلس اول که بیشتر نمایندگان کاسب و عوام بودند، زود خودنمایی کرد و نطق‌های پرحرارت او اسباب شهرت و ترقی وی شد. تقی‌زاده تغییرات سیاسی ایران و موقعیت زمان را با هوشمندی درک کرد و خود را با آن تغییرات هماهنگ ساخت. هنگام تنظیم متمم قانون اساسی<sup>۱</sup>، تقی‌زاده با مداخله روحانیون در مجلس برای نظارت و انطباق قوانین با موازین شرعی<sup>۲</sup> مخالفت کرد و از همین زمان نام او بر سر زبان‌ها افتاد و گروهی از

۱. قانون اساسی مشروطیت در ۱۴ ذی‌عقده ۱۳۲۴ و متمم آن در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ به تصویب مجلس رسید. - و.

۲. مندرج در اصل دوم متمم قانون اساسی، به شرح زیر: «مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام عصر عجل‌الله‌فرجه و بذل مرحمت اعلی حضرت شاهنشاه اسلام خلدالله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثرالله‌امثالهم و عامه ملت ایران تأسیس شده است، باید در هیچ عصری از اعصار، مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیرالانام صلی‌الله علیه و آله و سلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه بر عهده علمای اعلام ادام‌الله برکات وجودهم بوده و هست؛ لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار، هیئتی که کم‌تر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشند، به این طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مرجع تقلید شیعه اسلام، ۲۰ نفر از علماء که دارای صفات مذکوره باشند معرفی به مجلس شورای ملی بنمایند؛ پنج نفر از آن‌ها را یا بیش‌تر به مقتضای عصر، اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده، به سیمت عضویت بشناسند تا موادی که در مجلسین عنوان می‌شود به دقت مذاکره و بررسی نموده، هر یک از آن مواد معنونه (عنوان شده) که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علما در این باب، قطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجت عصر عجل‌الله فرجه تغییرپذیر نخواهد بود.»

روحانیون و مردم اعتقادات مذهبی او را سست و بی‌پایه دانسته، تهمت بی‌دینی بر او بستند، با این حال تقی‌زاده از اتهام نترسید و برای تدوین و تصویب قانون اساسی و پیشرفت افکار متجددانه‌ی خود تلاش کرد. هنگامی که مجلس در کار پیشرفت و تثبیت قدرت حکومت پارلمانی بود و انگلیسی‌ها با ناخشنودی از موفقیت مجلس، برای طرد محمدعلی‌شاه و درهم ریختن قزاق خانه مصمم بودند و انجمن‌های خلق‌الساعه در هر سو تشکیل می‌شد، انجمن آذربایجان نیز فعالیت شدید خود را آغاز کرده بود و تقی‌زاده رهبری این انجمن را به عهده داشت و جوانان مجاهد انجمن را بر ضد محمدعلی‌شاه و درباریان تحریک می‌کرد و در منزل خود اسلحه‌خانه ترتیب داده بود و در مجلس سخنان تند بر زبان می‌راند و مخصوصاً به اطرافیان شاه و دوستان سیاست روس سخت می‌تاخت.<sup>۱</sup>

او مردی انقلابی بود ولی تندروی‌ها و ناسزاگویی‌هایش بیشتر در گسترش تشنج و تشدید اختلاف شاه و مجلس اثر می‌گذاشت. و اتفاقاً این همان هدفی بود که انگلیسی‌ها در ایران دنبال می‌کردند. از این رو تقی‌زاده به داشتن روابط پنهانی با عمال سفارت انگلیس متهم گردید؛ همان تهمتی که بر ملک‌المکلمین و سیدجمال‌الدین واعظ<sup>۲</sup> و گروهی دیگر از مدعیان رهبری مشروطه ایران نیز وارد شده است.<sup>۳</sup>

۱. ژنرال سایکس انگلیسی از نفوذ و استعداد شخصی تقی‌زاده به وجه مبالغه‌آمیزی یاد کرده و مجلس اول را تحت سیطره او معرفی کرده است. (بنگرید به: تاریخ ایران، سرپرسی سایکس، ترجمه فخرداعی گیلانی، جلد دوم، ص ۶۲۸)

۲. این شخص پدر محمدعلی جمال‌زاده (نویسنده معروف ایرانی) است.

۳. رهبران مشروطه: ابراهیم صفائی، تهران، انتشارات جاودان صص ۲۴۳-۲۴۶-۲۸۷

تقی‌زاده در اثر مطالعات بسیار و امکانات مساعدی که برای مطالعه داشته و نیز به مناسبت اقامت طولانی در اروپا و تسلط بر زبان‌های انگلیسی و آلمانی و ترکی و آشنایی با زبان‌های عربی و فرانسه، از حیث مایه علمی یکی از دانشمندان مغتنم کشور است و در عالم ادب و فرهنگ کنونی ایران مقام شایسته‌ای دارد. نوشته‌های ادبی و تحقیقی تقی‌زاده پرمایه و آموزنده است. او در کار قلم، از تحریر مطالب عشقی و احساسات غریزی و گمراه‌کننده به کلی دوری می‌جوید و در پاس خط و زبان و ادبیات فارسی کوشش‌های صمیمانه‌ای کرده است، خط را به شیوه خاورشناسان خوانا ولی بد می‌نویسد. از آثار تقی‌زاده، محاکمات تاریخی؛ دوره‌های مجله کاوه؛ تاریخ از پرویز تا چنگیز؛ مقدمه دیوان ناصر خسرو؛ ایران و جنگ فرنگستان؛ مانی؛ مقدمه تعلیم عمومی؛ گاه‌شماری در ایران قدیم؛ مقدمه انقلاب مشروطیت؛ از آثار پرارزش به حساب می‌آید. وی از سهام شرکت افست هم ۴۵ سهم داشت و هرساله سود سهام خود را دریافت می‌کرد. وی تنها با همسر آلمانی خود بانو «آدینه» (عطیه) زندگی می‌کرد و فرزند نداشت و به گفته خودش: «خدا او را از نعمت پدر بودن محروم کرده بود».

### سال‌شمار زندگی سیدحسن تقی‌زاده

| قمری                 | شمسی       | میلادی             | توضیحات                                  |
|----------------------|------------|--------------------|------------------------------------------|
| آخر<br>رمضان<br>۱۲۹۵ | ۵ مهر ۱۲۵۷ | ۲۷ سپتامبر<br>۱۸۷۸ | سال تولد                                 |
| نهم شوال<br>۱۳۱۴     |            |                    | درگذشت پدر                               |
| ۱۳۱۶                 |            |                    | تدریس علم فیزیک در دارالفنون مظفری تبریز |
| ۱۳۱۷                 |            |                    | تدریس علم فیزیک در مدرسه لقمانیه تبریز و |

| قمری         | شمسی     | میلادی | توضیحات                                                                                                                                                                                                                         |
|--------------|----------|--------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|              |          |        | معلم خانه، ترجمه‌ی کتاب «عجایب آسمانی» اثر کامیل فلاماریون از زبان فرانسه به فارسی (در سن ۲۱ سالگی)                                                                                                                             |
| ۱۳۱۷ یا ۱۳۱۸ |          |        | فراگیری زبان انگلیسی در مدرسه‌ی آمریکایی تبریز                                                                                                                                                                                  |
| ۱۳۱۹         |          |        | تأسیس مدرسه تربیت با همکاری محمدعلی‌خان (بعدها تربیت) و میرزا سید حسین‌خان (بعدها عدالت) و میرزا یوسف خان آشتیانی اعتصام دفتر (بعدها اعتصام‌الملک) در تبریز که قبل از دایر شدن بسته شد و سپس تأسیس کتابخانه (کتاب فروشی) تربیت. |
| ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ |          |        | تأسیس مجله‌ی علمی و ادبی «گنجینه فنون» با همکاری محمدعلی‌خان تربیت، میرزا سیدحسین‌خان عدالت و یوسف اعتصام‌الملک ترجمه‌ی «سفینه‌ی غواصه» یا بیست هزار فرسنگ زیردریا، اثر ژول ورن                                                 |
| ۱۳۲۱         |          |        | سفر به قفقاز (توقف یک ماه) استانبول (شش ماه)، مصر (نزدیک به شش ماه)، بیروت (پنجاه روز) و دمشق (یک هفته)                                                                                                                         |
| شعبان ۱۳۲۳   |          |        | بازگشت به تبریز                                                                                                                                                                                                                 |
| ۱۳۲۴         |          |        | انتشار رساله‌ی «تحقیق احوال کنونی ایران یا محاکمات تاریخی» در روزنامه‌ی فارسی زبان «حکمت» قاهره                                                                                                                                 |
| رجب ۱۳۲۴     |          |        | حرکت به قفقاز برای آمدن به تهران                                                                                                                                                                                                |
| دهم رمضان    | مهر ۱۲۸۵ |        | ورود به تهران                                                                                                                                                                                                                   |

| قمری                  | شمسی        | میلادی         | توضیحات                                                                                                                                                          |
|-----------------------|-------------|----------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۳۲۴                  |             |                |                                                                                                                                                                  |
| ۲۱ شوال<br>۱۳۲۴       | آبان ۱۲۸۵   |                | انتخاب به وکالت مجلس شورای ملی از طرف طبقه تجار تبریز در (سن ۲۸ سالگی)                                                                                           |
| ۱۳۲۶                  | تیر ۱۲۸۷    |                | پناهندگی در سفارت انگلیس پس از به توپ بستن مجلس در ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ (دوم تیرماه ۱۲۸۷) / خروج از ایران تحت حمایت سفارت انگلیس (در سن ۳۰ سالگی)                |
| ذی‌قعدة<br>۱۳۲۶       | آذر ۱۲۸۷    |                | بازگشت از اروپا به تبریز از راه عثمانی                                                                                                                           |
| رجب<br>۱۳۲۷           | شهریور ۱۲۸۸ |                | ورود به تهران پس از فتح تهران به دست مجاهدین و عضویت در «هیات مدیره موقتی» (در سن ۳۱ سالگی)                                                                      |
| ذی‌قعدة<br>۱۳۲۷       | آبان ۱۲۸۸   |                | انتخاب به نمایندگی مجلس از تهران و تبریز و پذیرش نمایندگی تبریز                                                                                                  |
| ۱۳۲۸                  |             |                | مشارکت در تشکیل حزب دمکرات                                                                                                                                       |
| جمادی‌ال<br>ثانی ۱۳۲۸ | ۱۲۸۹        |                | عزیمت به تبریز پس از واقعه قتل سید عبدالله بهبهانی در روز جمعه ۸ رجب ۱۳۲۸ (۲۴ تیر ۱۲۸۹) و اعطای مرخصی اجباری مجلس به تقی‌زاده جهت خروج از ایران (در سن ۳۲ سالگی) |
| ذی‌الحجه<br>۱۳۲۸      |             |                | حرکت از خوی به استانبول                                                                                                                                          |
| صفر<br>۱۳۲۹           | بهمن ۱۲۸۹   | ۱۵ ژانویه ۱۹۱۰ | ورود به استانبول و یک سال و نیم اقامت در استانبول                                                                                                                |
| ۱۳۲۹                  |             |                | سفر کوتاه به پاریس به دعوت سردار اسعد و بازگشت به استانبول                                                                                                       |
| پانیز ۱۳۲۹            |             |                | شش ماه اقامت در انگلیس                                                                                                                                           |
| ۱۳۲۹                  |             |                | انتخاب به نمایندگی مجلس سوم (ولی در مجلس شرکت نکرد)                                                                                                              |

| قمری        | شمسی          | میلادی          | توضیحات                                                                                                                                                                                                                          |
|-------------|---------------|-----------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۳۳۱        | ۱۲۸۹          | اکتبر ۱۹۱۲      | ورود به انگلستان                                                                                                                                                                                                                 |
|             | اردیبهشت ۱۲۹۰ | آخر ماه مه ۱۹۱۲ | حرکت به آمریکا (ورود به نیویورک روز ششم ژوئن ۱۹۱۲) و نوزده ماه توقف در آمریکا. انتشار چهارمقاله‌ی سیاسی به زبان فرانسه درباره‌ی اوضاع سیاسی ایران و عثمانی و ممالک عربی در «مجله‌ی دنیای اسلام»                                  |
|             | آذر ۱۲۹۱      | ۳۰ دسامبر ۱۹۱۴  | حرکت از آمریکا به برلین برای همکاری با «آلمان»                                                                                                                                                                                   |
|             | دی ۱۲۹۱       | ۱۰ ژانویه ۱۹۱۵  | ورد به برلن (در سن ۳۴ سالگی)                                                                                                                                                                                                     |
| ۱۳۲۴        |               |                 | آغاز انتشار مجله کاوه در برلن، در دوره جنگ جهانی اول (کاوه به مدت چهار سال با جنبه‌ی سیاسی به‌طور نامرتب منتشر می‌شد).<br>از ژانویه ۱۹۲۰ (مطابق دی‌ماه ۱۲۹۸) شروع دوره‌ی جدید که به شکل ادبی به‌طور منظم به مدت دو سال منتشر شد. |
|             |               | ۱۹۱۷            | شرکت در مجمع سوسیالیست‌ها در لاهه و صدور اعلامیه مشترک با وحیدالملک، سرپرستی محصلین در برلن، مشارکت در تشکیل انجمن آلمان و ایران                                                                                                 |
|             |               | ۱۹۱۹            | صدور اعلامیه خطاب به کنفرانس صلح پاریس                                                                                                                                                                                           |
| ۱۳۳۹        |               |                 | انتخاب به نمایندگی دوره چهارم مجلس شورای ملی. (ولی در مجلس شرکت نکرد)                                                                                                                                                            |
| ۱۳۴۰        |               |                 | تعطیلی مجله کاوه                                                                                                                                                                                                                 |
| ۳ بهمن ۱۳۰۰ |               | ۲۶ آوریل ۱۹۲۲   | حرکت به مسکو به نمایندگی دولت ایران برای عقد قراردادهای تجاری، کنسولی و پستی و تلگرافی و توقف تا (مرداد ۱۳۰۲ / اوت ۱۹۲۳) به مدت نوزده ماه                                                                                        |
|             |               | ۱۹۲۳            | بازگشت به برلن و ازدواج با یک دختر آلمانی (در سن ۴۵ سالگی)                                                                                                                                                                       |

| قمری | شمسی                | میلادی        | توضیحات                                                                                                                                              |
|------|---------------------|---------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|      |                     | ژوئن ۱۹۲۴     | عزیمت به انگلستان برای مذاکره با حکومت<br>کارگری از طرف دولت ایران                                                                                   |
|      | بهمن ۱۳۰۲           |               | انتخاب به نمایندگی مجلس پنجم (در سن ۴۵ سالگی)                                                                                                        |
|      | ۱۳۰۳                | ۲۰ اوت ۱۹۲۴   | ورود به تهران؛ مشارکت در تأسیس و<br>عضویت هیات مؤسسين انجمن آثار ملی<br>انتشار مقالاتی در مجلات «شفق» با امضای<br>«مرزبان باوندی» و «تقدم» و «آینده» |
|      | ۹ آبان ۱۳۰۴         |               | مخالفت تقی‌زاده با طرح خلع‌ید از خاندان<br>قاجار و واگذاری حکومت موقتی به رضاخان<br>پهلوی در مجلس پنجم                                               |
|      | اردیبهشت ۱۳۰۴       | ۲۰ آوریل ۱۹۲۶ | خروج از ایران به طرف برلن به همراه<br>همسرش - به علت فوت پدر همسرش                                                                                   |
|      | ۲۲ خرداد ۱۳۰۵       |               | انتخاب به عنوان وزیر خارجه کابینه حسن<br>مستوفی (ولی قبول نکرد)                                                                                      |
|      | تیر ۱۳۰۵            | ژوئن ۱۹۲۶     | ورود به آمریکا جهت شرکت در نمایشگاه<br>فیلادلفیا به مناسبت یک‌صد و پنجاهمین سال<br>استقلال ایالات متحده آمریکا به عنوان رئیس<br>غرفه ایران           |
|      | ۱۹ تیر ۱۳۰۵         |               | نمایندگی مجلس ششم                                                                                                                                    |
|      | نوروز ۱۳۰۶          |               | ورود به تهران و حضور در مجلس ششم                                                                                                                     |
|      | ۲۲ مرداد ۱۳۰۷       |               | خاتمه دوره مجلس ششم و خانه‌نشینی شدن و<br>تحت نظر قرار گرفتن به مدت ۷ ماه                                                                            |
|      | ۳ دی ۱۳۰۷           | فوریه ۱۹۲۹    | والی گری خراسان (در سن ۵۰ سالگی)                                                                                                                     |
|      | تیرماه تابستان ۱۳۰۸ | اوت ۱۹۳۰      | خاتمه‌ی دوره‌ی والی گری خراسان                                                                                                                       |
|      | تیر ۱۳۰۸            | اوت ۱۹۳۰      | سفیر ایران در لندن (در سن ۵۱ سالگی)                                                                                                                  |
|      | ۱۰ فروردین ۱۳۰۹     | آوریل ۱۹۳۱    | پایان دوره سفارت در لندن                                                                                                                             |

| قمری | شمسی               | میلادی            | توضیحات                                                                                                                                               |
|------|--------------------|-------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|      | ۲۸ فروردین<br>۱۳۰۹ |                   | به تهران احضار و به سمت وزیر طرق و شوارع (وزارت راه و ترابری) و در کابینه حاج مهدیقلی‌خان هدایت منصوب شد                                              |
|      | ۲۳ تیر<br>۱۳۰۹     |                   | تصدی پست وزیر مالیه با حفظ سمت سرپرستی وزارت طرق و شوارع                                                                                              |
|      | ۳۰ دی<br>۱۳۰۹      |                   | به‌عنوان وزیر مالیه به مجلس معرفی شد                                                                                                                  |
|      | اردیبهشت<br>۱۳۱۲   | ۲۹ آوریل<br>۱۹۳۲  | به‌عنوان وزیر مالیه (وزیر دارایی) وقت قرارداد جدید نفتی، مبنی بر تمدید قرارداد داری را امضا کرد. (در سن ۵۵ سالگی)                                     |
|      | آبان<br>۱۳۱۲       |                   | سفیر ایران در پاریس                                                                                                                                   |
|      | ۱۳۱۳               |                   | شرکت در انجمن سلطنتی صنایع مستظرفه (هنرهای زیبا) در لندن                                                                                              |
|      | ۲۹ مرداد<br>۱۳۱۳   |                   | پایان دوره سفارت در پاریس به علت نشر مقالاتی علیه رضاشاه در نشریات فرانسوی و عدم توان جلوگیری تقی‌زاده از نشر آن حرکت به برلن و اقامت ۱۵ ماهه در آنجا |
|      | ۱۳۱۴               |                   | شرکت در مجمع بین‌المللی مستشرقین در رم به نمایندگی از طرف دولت ایران                                                                                  |
|      | دی‌ماه<br>۱۳۱۵     | ۱۹ ژانویه<br>۱۹۳۶ | حرکت به سمت لندن و شروع تدریس در مدرسه مطالعات شرقی «مدرسه السنه شرقیه» لندن                                                                          |
|      | ۴ آبان<br>۱۳۲۰     |                   | تصدی سفارت ایران در لندن (در سن ۶۳ سالگی)                                                                                                             |
|      | ۱۶ خرداد<br>۱۳۲۱   |                   | وزیرمختاری در دربار پادشاهی نروژ                                                                                                                      |
|      | ۱۸ مرداد<br>۱۳۲۱   |                   | انتخاب به وزارت دارایی در کابینه قوام‌السلطنه و عدم پذیرش او                                                                                          |
|      | اسفند<br>۱۳۲۳      |                   | انتخاب برای شرکت در کنفرانس سانفرانسیسکو و عدم پذیرش آن                                                                                               |

| قمری | شمسی            | میلادی | توضیحات                                                                                                                                                                       |
|------|-----------------|--------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|      | بهمن ۱۳۲۴       |        | شرکت در شورای امنیت سازمان ملل به عنوان رئیس هیات ایرانی به منظور طرح شکایت ایران از شوروی به علت تداوم حضور ارتش سرخ در خاک ایران و حمایت شوروی از غائله پیشروی در آذربایجان |
|      | مرداد ۱۳۲۶      |        | انتخاب به عنوان نماینده مجلس شورای ملی از تبریز در دوره پانزدهم (در سن ۶۹ سالگی)                                                                                              |
|      | مهر ۱۳۲۶        |        | بازگشت به ایران و شرکت در مجلس شورای ملی                                                                                                                                      |
|      | ۷ آبان ۱۳۲۸     |        | برگزاری مرحله دوم انتخابات مجلس سنا و انتخاب تقی زاده به عنوان نماینده مجلس سنا از تهران (در سن ۷۱ سالگی)                                                                     |
|      | ۳۰ بهمن ۱۳۲۸    |        | برگزاری انتخابات هیات رئیسه مجلس سنا و انتخاب تقی زاده به عنوان رئیس نخستین دوره مجلس سنا                                                                                     |
|      | ۹ اردیبهشت ۱۳۳۴ |        | صدور حکم رتبه ده استادی دانشگاه تهران (دانشکده الهیات و معارف اسلامی)                                                                                                         |
|      | ۸ آذر ۱۳۳۵      |        | عضویت در شورای عالی فرهنگ (تا آخر عمر)                                                                                                                                        |
|      | ۱۳۳۵            |        | عضویت در شورای سلطنتی                                                                                                                                                         |
|      | ۲۷ نوامبر ۱۹۵۵  |        | دریافت درجه دکتری افتخاری از دانشگاه علیگره (هند)                                                                                                                             |
|      | ۱۳۳۶            |        | ریاست هیات ایرانی در کنگره خاورشناسان (مونینخ)، استعفا از ریاست مجلس سنا (در سن ۷۹ سالگی)، سفر به آمریکا به دعوت دانشگاه کلمبیا و دولت آمریکا                                 |
|      | ۱۳ آذر ۱۳۳۷     |        | صدور حکم بازنشستگی                                                                                                                                                            |
|      | ۱۳۳۷            |        | ریاست انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی                                                                                                                                        |
|      | ۳ آبان ۱۳۳۹     |        | انتخاب به عنوان سناتور انتصابی در مجلس سنا (در سن ۸۲ سالگی)                                                                                                                   |

| قمری | شمسی             | میلادی | توضیحات                                                             |
|------|------------------|--------|---------------------------------------------------------------------|
|      | ۱۷ بهمن<br>۱۳۴۰  |        | ریاست فرهنگستان ایران                                               |
|      | ۱۰ آذر ۱۳۴۱      |        | عضویت در شورای سلطنتی                                               |
|      | ۳ مهر ۱۳۴۲       |        | انتخاب مجدد به‌عنوان سناتور انتصابی در<br>مجلس سنا (در سن ۸۴ سالگی) |
|      | ۳۱ خرداد<br>۱۳۴۳ |        | استادی ممتاز دانشگاه تهران (در سن ۸۵<br>سالگی)                      |
|      | ۶ شهریور<br>۱۳۴۵ |        | ریاست اولین کنگره جهانی ایران‌شناسان<br>(تهران) (در سن ۸۷ سالگی)    |
|      | ۸ بهمن ۱۳۴۸      |        | فوت (در سن ۹۲ سالگی) <sup>۱</sup>                                   |

### تقی‌زاده از نگاه دیگران

#### اسماعیل رائین

اسماعیل رائین در کتاب «حقوق‌بگیران انگلیس در ایران» به انتقاد از عملکرد انجمن آذربایجان و روسای آن سیدحسن تقی‌زاده و حیدرخان عمواغلی پرداخته، می‌نویسد: عملیات آنها موجب به انحراف کشیده شدن مشروطیت و بمباران مجلس توسط محمدعلی‌شاه شد. رائین اضافه می‌کند: «پس از عزل محمدعلی‌شاه و تشکیل مجلس دوم، اختلاف بین اعتدالیون و افراطیون بالا گرفت. در نتیجه عناصر افراطی در صدد از بین بردن آن دسته از مؤثرترین مشروطه‌خواهان که در دوران قبل از صدور فرمان مشروطیت فعالیت بزرگی داشتند و اکنون جزو اعتدالیون بودند برآمدند اولین قرعه به نام آیت‌الله بهبهانی اصابت کرد».

«تقی‌زاده در نیمه‌های ۱۳۲۶ قمری با چند نفر همراهانش از تهران

۱. اقتباس از کتاب «زندگی و زمانه سیدحسن تقی‌زاده»، تالیف سیدعلی علوی